

## زاد گاه

ای زاد گاه من !  
پشت و پناه من !  
بنگر که دشمنان ز تو ویرانه ساختند  
از شرق تا به غرب  
از سرگذشتهای تو افسانه ساختند  
شهر و دیار تو  
یکسر شده جهنم سوزان به مرد و زن  
نسل و تبار تو  
آواره و فراری و بیجا و بی وطن  
ای سرزمین من !  
عشق و یقین من !  
دردا که بذر فتنه به قلب تو کاشتند  
از انفجار آن  
باکی نداشتند  
امروز دیگران  
از جهل بیگمان  
بیگانه را به خویش نگهبان گماشتند  
ای آشیان من ! افغانستان من !  
گویا که ماجرای تو را نیست انتها  
هر سو بود مشاجره و کشمکش به پا  
یکسو جنگ سرد زر و سیم "پایپ لاین"  
سوی دگر هیاهوی سالوس طالبان  
ای وای  
ای دریغ  
دیگر به کف مرا  
نه صبر و نه توان  
از نه فلک گذشته دگر دود آه من

ای زاد گاه من !  
پشت وپناه من !

عبدالجبّار توکل هروی  
جولای، ۱۹۹۸، هامبورک، جرمنی  
ارسالی پوهنوال داکتر اسدالله حیدری  
سدنی، آسترالیا